

خبر
زخم کهنه دوباره سر باز کرد درگیری مرزی کامبوج و تایلند درگیری مرزی دیرینه میان تایلند و کامبوج بار دیگر شعله‌ور شده و به تبادل آتش، حملات هوایی، کشته‌شدن ده‌ها نفر و آوارگی ده‌ها هزار غیرنظامی منجر شده است. این بحران در حالی شدت گرفته که هر ۲ کشور با چالش‌های داخلی و فشارهای اقتصادی روبه‌رو هستند. به گزارش ایسنا، درگیری مرزی دیرینه میان تایلند و کامبوج روز پنجشنبه وارد مرحله‌ای خطرناک شد، به‌طوری‌که تایلند ضمن انجام حملات هوایی به اهداف نظامی کامبوج، این کشور را به شلیک راکت و حمله توپخانه‌ای متهم کرد. در این درگیری‌ها تاکنون ۳۲ نفر جان خود را از دست داده‌اند. بنا بر اعلام مقامات، در کامبوج ۱۳ نفر شامل ۸ غیرنظامی و ۵ سرباز کشته شده‌اند و حداقل ۷۰ نفر شامل ۵۰ غیرنظامی و بیش از ۲۰ سرباز زخمی شده‌اند. در سوی دیگر، تایلند از کشته شدن ۱۹ نفر شامل ۱۳ غیرنظامی و ۶ سرباز خبر داده و اعلام کرده که ۵۹ نفر دیگر شامل ۲۹ سرباز و ۳۰ غیرنظامی نیز زخمی شده‌اند. همچنین، ده‌ها هزار نفر از ساکنان مناطق مرزی ناچار به ترک خانه‌های خود شده‌اند. اما ریشه این اختلاف در چیست؟ این مناقشه به بیش از یک قرن پیش بازمی‌گردد؛ یعنی وقتی فرانسه، که کامبوج را تا سال ۱۹۵۳ اشغال کرده بود، مرزهای زمینی منطقه را ترسیم کرد. اختلاف بر سر مرزی به طول بیش از ۱۸۷ کیلومتر، در طول سال‌ها بارها و بارها شعله‌ور شده و احساسات ملی‌گرایانه به آن دامن زده است. در سال ۱۹۰۷ و تحت سلطه استعماری فرانسه، نقشه‌ای ترسیم شد تا کامبوج را از تایلند جدا کند. کامبوج برای اثبات ادعاهای ارضی خود به این نقشه استناد می‌کند، اما تایلند آن را نادرست می‌داند. جدیدترین دور از این بحران از ماه مه آغاز شد؛ زمانی‌که در منطقه‌ای مورد مناقشه، میان نیروهای ۲ کشور تبادل آتش رخ داد و یک سرباز کامبوجی کشته شد. این اتفاق سلسله‌ای از اقدامات تلاقی‌جویانه را به‌دنبال داشت: تایلند محدودیت‌هایی در مرز با کامبوج اعمال کرد و در مقابل، کامبوج واردات میوه و سبزیجات، پخش فیلم‌های تایلندی و حتی پهنای باند اینترنت از تایلند را ممنوع کرد. تنش‌ها که روز چهارشنبه زمانی شدت بیشتری گرفت که پنج نظامی تایلندی هنگام گشت‌زنی بر اثر انفجار مین مجروح شدند. مقام‌های تایلندی مدعی‌اند این مین‌ها به‌تازگی کار گذاشته شده‌اند؛ ادعایی که طرف مقابل آن را تکذیب کرده است. در پی این حادثه، تایلند گزراگه‌های مرزی شمال‌شرقی را بست، سفیر کامبوج را اخراج کرد و سفیر خود را نیز فراخواند. کامبوج نیز در واکنش، سطح روابط دیپلماتیک با تایلند را به پایین‌ترین حد رساند و تمام کارکنان سفارت خود در بانکوک را فراخواند. کامبوج عملاً یک دولت تک‌حزبی به شمار می‌رود. این کشور نزدیک به چهار دهه تحت حاکمیت «هون سن» اداره می‌شد، تا اینکه او در سال ۲۰۲۳ قدرت را به پسرش «هون مانت» واگذار کرد. هون سن اکنون رئیس سنای کشور است و همچنان نفوذ قابل‌توجهی دارد. به گفته تحلیلگر ارشد گروه بین‌المللی بحران، هون مانت در سایه پدرش حکومت می‌کند و ممکن است دامن‌زدن به احساسات ملی‌گرایانه تلاشی برای تقویت جایگاه او باشد. برخی نیز معتقدند که این بحران می‌تواند پوششی برای پنهان‌کردن مشکلات اقتصادی هر ۲ کشور باشد؛ چراکه از اول اوت، هر کشور با احتمال اعمال تعرفه ۳۶ درصدی آمریکا مواجه‌اند. در سوی دیگر، تایلند نیز درگیر بی‌ثباتی سیاسی است. «پاپینوت کورن شیناواتا» نخست‌وزیر این کشور از سمت خود تعلیق شده و حزب او به دلیل ناتوانی در واکنش به بحران مرزی مورد انتقاد قرار گرفته است.



رسانه انگلیسی نوشته عربستان سعودی درخواست آمریکا برای ارسال موشک‌های رهگیر به سرزمین‌های اشغالی را رد کرده است.

به گزارش ایسنا، رژیم صهیونیستی در ماه ژوئن، زمانی که موشک‌های بالستیک ایران به سرزمین‌های اشغالی اصابت می‌کردند، با کمبود موشک‌های رهگیر سامانه «تاد» مواجه بود و ایالات متحده از عربستان سعودی خواست تا رهگیرها را برای کمک به متحد نیزامند آمریکا تحویل دهد.

۲ مقام آمریکایی آشنا با مذاکرات به میدل‌ایست‌آی گفتند که پاسخ ریاض «نه» بود.

یکی از مقامات به این رسانه انگلیسی گفت: «در طول جنگ، ما از همه خواستیم که کمک مالی کنند. وقتی این کار جواب نداد، سعی کردیم معامله کنیم. این کار فقط مختص یک کشور نبود.»

اما عربستان سعودی در موقعیت خوبی برای کمک به تل‌آویو بود و مقامات آمریکایی مشتاق بودند تأکید کنند که ایران تهدیدی برای آنها و همچنین رژیم صهیونیستی است. ایالات متحده پیش از این سامانه‌های دفاع هوایی را در این کشور نفت‌خیز خلیج فارس مستقر کرده است،

طبق این گزارش، در حالی که ایران و رژیم صهیونیستی در حال جنگ بودند، پادشاهی عربستان در حال آماده شدن برای دریافت اولین سامانه تاد بود که با بودجه مستقل خود خریداری کرده بود. در واقع، این سامانه در ۳ ژوئیه، تنها ۹ روز پس از آتش‌بس، توسط ارتش عربستان سعودی رونمایی شد. درست قبل از مراسم، مقامات آمریکایی نگران بودند که حمله گسترده موشک‌های بالستیک

در پی دوازده روز رویارویی نظامی ایران و اسرائیل که به یکی از شدیدترین دوره‌های تنش در سال‌های اخیر تبدیل شد، روز جمعه،تهران و اروپا در فضایی متفاوت از گذشته بر سر میز مذاکره بازگشتند؛ نه در وین یا ژنو، بلکه این بار در ساختمان سرکنسولگری ایران در استانبول.

امید محسنی در برنا می نویسد: هرچند این مذاکرات در سطح معاونان برگزار شد، اما از نظر زمانی و موقعیت سیاسی آغاز مرحله‌ای تازه در مناسبات ساختاری از جمله «مکانیسم ماشه» شکل می‌گیرد. این مذاکره در شرایطی برگزارشد که در روزهای اخیر، ایالات متحده از آمادگی خود برای بازگشت به گفت‌وگو با ایران خبر داده، اما پاسخ تهران، در قالب اعلام آمادگی نبوده، بلکه به شکل تلویحی، امکان « مشروط» به حساب می‌آید. تهران در وضعیت پس‌اجنگ و با حافظه‌ای زنده از حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای خود، حاضر نیست گفت‌وگو را به عنوان ابزاری برای افزایش فشار نظامی ببپذیرد. چنانکه غریب‌آبادی، معاون وزیرامورخارجه، از مذاکره برای توافقی برد-برد، بدون گزینه نظامی سخن گفته است. موضوعی که باعث شد در فضای اختلافات عمیق تهران و واشنگتن به واسطه مداخله اسرائیل گفت‌وگوی مستقیم با غیرمستقیم هنوز در دستور کار قرار نباش و پرونده هسته‌ای فعلاً در مدار روابط تهران-اروپا دنبال شود.

تهران و انتخاب یک مسیر میانه در اوج فشارها
در چنین فضایی، ایران تصمیم گرفته مسیر دیپلماسی را از کانالی فعال کند که نه حداکثری است و نه انفعالی. مذاکرات با تروییکا، اروپایی،آن‌هم در فضایی غیررسمی‌تر، فعلا راهی برای کاهش فشار بدون تغییر در اصول خواهد بود که تهران آن را برای محک راه‌های احتمالی خروج از تنش در نظر گرفته است. این انتخاب راهبردی، بر اساس درک سیاسی تهران ازمتغیرهای بازی است؛ جایی که از یک‌سو مکانیزم امنیت (ابزار بالقوه بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت) به‌طور ضمنی در سیاست اسرائیل و آمریکا فعال شده و از سوی دیگر، اروپا نیز با تهدید به استفاده از آن تا پایان اوت، در حال آزمون ظرفیت‌های تهران برای انعطاف نظامی دیپلماتیک است. برخی تحلیل گران معتقدند: همان‌طور که گزارش‌های آژانس در دوره قبلی گفت وگوهای ایران و آمریکا، از مسیر اداری به بستر فشار نظامی نزدیک شد، این‌بار نیز مکانیزم ماشه می‌تواند از یک سازوکار حقوقی به ابزار توجیه یک بحران جدید بدل شود. چنین احتمالی باعث شده ایران ضمن حفظ فاصله از مذاکرات مستقیم با آمریکا، میز گفت‌وگو با اروپا را در وهله اول به عنوان مسیر برای مهار تحریم‌های چندجانبه و دوم اثبات اصرار بر دیپلماسی به جای تنش-همانگونه که اروپا بر آن تأکید دارد-به کار بگیرد.

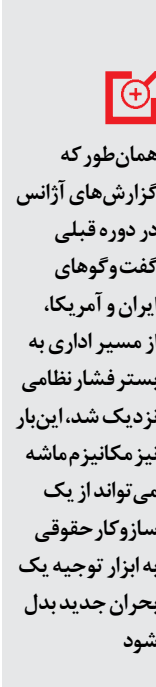
اروپا در دوگانه میانجی‌گری یا هم‌پوشانی با سیاست واشنگتن

آنچه که تردیدها درباره هرگونه گفت‌وگوی سیاسی و فنی را در حال حاضر افزایش می‌دهد، کارکرد

نشست استانبول؛ آغاز فصل جدید یا تعلیق سیاسی؟

بازگشت محتاطانه به دیپلماسی

گروه بین الملل- بازگشت به میز مذاکره در سایه تهدیدها و ترجیح دیپلماسی در وضعیت ملق، ایران و اروپا را در لحظه تصمیم تاریخی تا پایان ماه اوت قرار داده است، استفاده از مکانیسم ماشه یا هدایت سیاسی بازیگران به گفت‌وگو همانقدر امکان‌پذیر به نظر می‌رسد که ممکن نیست. از سوی ایران نیز چنین شرایطی یا دو گزینه مهم روبه‌روست: عدم پذیرش غنی‌سازی صفر و خروج از آن. پی، تی در صورت بازگشت تحریم‌های پیش از ۲۰۱۵.



همان‌طور که گزارش‌های آژانس در دوره قبلی گفت وگوهای ایران و آمریکا، از مسیر اداری به بستر فشار نظامی نزدیک شد، این‌بار نیز مکانیزم ماشه می‌تواند از یک سازوکار حقوقی به ابزار توجیه یک بحران جدید بدل شود

اسلامی،بازدیدهای میدانی را منوط به تأیید شورای عالی امنیت ملی کرده وارهات پاسخ رسمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای را وابسته به تعریف شرایط و پیوست‌های جدیدی می‌داند که از کدورت‌های پس از جنگ نشئت گرفته است. این رویکرد محتاطانه به همکاری‌هاست؛ بدون خروج از مسیر دیپلماتیک، اما نه بازگشت کامل به وضعیت سابق. گروسی، مدیرکل آژانس، نیز با تأکید بر راه‌حل دیپلماتیک ورود گام به گام به مسیر گذشته را تأیید می‌کند.

گروسی عنوان کرده «ایران تأسیسات وفعالیت‌هایی دارد که باید درباره آنها شفاف‌سازی کند. لازم است روابط با ایران از سر گرفته شود و مفاد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) باز کنترل تن دادن

به بازرسی‌ها دلالت دارد.» اما او در همین اظهارات، استراتژی جدید ایران در قبال آژانس را پذیرفته:«ایران اعلام کرده است که مایل است برخی مذاکرات را در سطح گام به گام به سر بگیرد.»

همزمان، تلاش‌های تهران برای ایجاد جبهه‌ای متحد با بازیگران شرقی نیز برجسته شده است. نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و چین در تهران، با هدف هماهنگی مواضع در برابر تحریم‌ها برگزار شد. پکن به مسکو، هر دو با انگیزه‌های متفاوت اما هم‌رسانا با تهران، خواهان مهار یک‌جانبه‌گرایی غرب در پرونده‌های بین‌المللی‌اند، اما نقطه‌اثر آنها در دو تهدید عینی- حمله مجدد نظامی و سازوکارهای حقوقی تأثیر بر روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه- مشخص نیست.

همزمان، تلاش‌های تهران برای ایجاد جبهه‌ای متحد با بازیگران شرقی نیز برجسته شده است. نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و چین در تهران، با هدف هماهنگی مواضع در برابر تحریم‌ها برگزار شد. پکن به مسکو، هر دو با انگیزه‌های متفاوت اما هم‌رسانا با تهران، خواهان مهار یک‌جانبه‌گرایی غرب در پرونده‌های بین‌المللی‌اند، اما نقطه‌اثر آنها در دو تهدید عینی- حمله مجدد نظامی و سازوکارهای حقوقی تأثیر بر روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه- مشخص نیست.

همزمان، تلاش‌های تهران برای ایجاد جبهه‌ای متحد با بازیگران شرقی نیز برجسته شده است. نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و چین در تهران، با هدف هماهنگی مواضع در برابر تحریم‌ها برگزار شد. پکن به مسکو، هر دو با انگیزه‌های متفاوت اما هم‌رسانا با تهران، خواهان مهار یک‌جانبه‌گرایی غرب در پرونده‌های بین‌المللی‌اند، اما نقطه‌اثر آنها در دو تهدید عینی- حمله مجدد نظامی و سازوکارهای حقوقی تأثیر بر روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه- مشخص نیست.

همگامی که نشانه آغاز توزیع کمک‌ها از طریق پیاده‌های اسرائیلی اعلام می‌شود، باید افراده به سمت مراکز توزیع کمک‌ها حرکت کنند. البته این مسیر همواره پر از خطر است و ممکن است مردم مورد هدف تیراندازان رژیم صهیونیستی قرار بگیرند. ارتش اشغالگر صهیونیستی شهر رفح را به صورت کامل تحت کنترل درآورد و آن را ایست و بازرسی‌ها و تجهیزات خود پر کرده و موقعیت‌هایی برای تیراندازی و پرواز پهپادها در آن فراهم کرده است.

شاهدان عینی گزارش می‌دهند که مردم غزه حتی در زمان انتظار برای صدور مجوز جهت آغاز فرایند توزیع نیز مورد حمله صهیونیست‌ها قرار می‌گیرند. در روز ۱۴ جولای گذشته رژیم صهیونیستی به سمت انبوهی از مردم در منطقه الجوره قبل از نزدیک شدن به مناطق توزیع مورد حمله قرار گرفتند. در روز ۱۲ جولای نیز ۳۴ نفر در انتظار برای دریافت کمک‌های انسانی شهید شدند.

آیا حضور در این مرکز برای مردم امن است؟
حضور در مرکز توزیع کمک‌های برای مردم غزه امنیت آفرین نیست، تصاویر زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نظامیان صهیونیست در هنگام نزدیک شدن به مرکز، علیه فلسطینیان از گاز لفل استفاده

به سمت الجوره می‌روند. این نام مربوط به جفره‌ای شنی بین تپه‌ها در فاصله ۵۰۰ متری بعد از مانع اسرائیلی است. آنها برای در امان بودن از تیراندازی‌های دشمن در این ناحیه منتظر می‌مانند تا نشانه شروع کمک‌های انسانی شلیک شود.

شدت درجه حرارت هوا و طولانی بودن مدت انتظار، دردسرهای زیادی برای خانواده‌های گرسنه ایجاد می‌کند. خانواده‌ها گاه‌ها برای اینکه بتوانند کیسه‌ای آرد تأمین کنند، باید ۱۲ تا ۲۴ ساعت قبل از توزیع کمک‌ها در این محل حضور داشته باشند و نوبت بگیرند.

آغاز فرایند توزیع
همگامی که نشانه آغاز توزیع کمک‌ها از طریق پیاده‌های اسرائیلی اعلام می‌شود، باید افراده به سمت مراکز توزیع کمک‌ها حرکت کنند. البته این مسیر همواره پر از خطر است و ممکن است مردم مورد هدف تیراندازان رژیم صهیونیستی قرار بگیرند. ارتش اشغالگر صهیونیستی شهر رفح را به صورت کامل تحت کنترل درآورد و آن را ایست و بازرسی‌ها و تجهیزات خود پر کرده و موقعیت‌هایی برای تیراندازی و پرواز پهپادها در آن فراهم کرده است.

شاهدان عینی گزارش می‌دهند که مردم غزه حتی در زمان انتظار برای صدور مجوز جهت آغاز فرایند توزیع نیز مورد حمله صهیونیست‌ها قرار می‌گیرند. در روز ۱۴ جولای گذشته رژیم صهیونیستی به سمت انبوهی از مردم در منطقه الجوره قبل از نزدیک شدن به مناطق توزیع مورد حمله قرار گرفتند. در روز ۱۲ جولای نیز ۳۴ نفر در انتظار برای دریافت کمک‌های انسانی شهید شدند.

آیا حضور در این مرکز برای مردم امن است؟
حضور در مرکز توزیع کمک‌های برای مردم غزه امنیت آفرین نیست، تصاویر زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نظامیان صهیونیست در هنگام نزدیک شدن به مرکز، علیه فلسطینیان از گاز لفل استفاده

به سمت الجوره می‌روند. این نام مربوط به جفره‌ای شنی بین تپه‌ها در فاصله ۵۰۰ متری بعد از مانع اسرائیلی است. آنها برای در امان بودن از تیراندازی‌های دشمن در این ناحیه منتظر می‌مانند تا نشانه شروع کمک‌های انسانی شلیک شود.

شدت درجه حرارت هوا و طولانی بودن مدت انتظار، دردسرهای زیادی برای خانواده‌های گرسنه ایجاد می‌کند. خانواده‌ها گاه‌ها برای اینکه بتوانند کیسه‌ای آرد تأمین کنند، باید ۱۲ تا ۲۴ ساعت قبل از توزیع کمک‌ها در این محل حضور داشته باشند و نوبت بگیرند.

خبر
مسئولیت مضاعف اروپا برای حفظ «ان‌پی‌تی» مقابل استاندارد دوگانه کاخ سفید برداشت‌های ابزاری از قانون، مشروعیت رژیم جهانی منع اشاعه را به شدت تضعیف کرده است؛ در این شرایط کشورهای اروپایی مجبورند جهت حفظ حیثیت معاهده عدم اشاعه(NPT) و نظام حقوق بین الملل، شجاعت سیاسی و شفافیت اخلاقی به خرج دهند و در مقابل استانداردهای دوگانه کاخ سفید قاطعانه ایستادگی کنند. به گزارش روز شنبه ایترنا، تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران در ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد گذشته) با موجی از تحلیل ها و انتقادها در سطح جهان رو به رو شد و بسیاری از کارشناسان سیاسی و حقوقی این اقدام را که با هماهنگی ایالات متحده انجام شد، فاقد دستوراد سیاسی و حتی مشروعیت حقوقی توصیف کردند. «برایان هادسون» در تحلیلی برای «مدرن دیپلماسی» معتقد است: حملات هماهنگ ایالات متحده و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران نه فقط موجب افزایش تنش در خاورمیانه شد بلکه ضربه‌ای بی‌سابقه‌را به یکی از ارکان نظم جهانی — رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) — وارد کرد. با این حال، شاید نگران‌کننده‌تر از خود این حملات، سکوت تقریباً کامل -یا حتی تأیید ضمنی- قدرت‌های اروپایی در مواجهه با چنین اقدام غیرقانونی بود. برای بسیاری از ناظران، این واکنش اروپا، استانداردهای دوگانه‌ای را که همچنان حقوق بین‌الملل درگیر آن است به‌روشنی نشان داد. اروپا، که روزگاری نگهبان چندجانبه‌گرایی به شمار می‌رفت، اکنون به دستور بیابیه‌هایی محتاطانه با مضمون «ابزار نگرانی» بسنده کرده، آن‌هم در حالی که از «حق دفاع از خود» سخن می‌گوید. تداوم این انفعال، نه تنها رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به سمت فروپاشی سوق می‌دهد، بلکه خطر تشویق کشورها به جستجوی امنیت از طریق مسیرهایی بسیار خطرناک‌تر، از جمله دستیابی به سلاح هسته‌ای را در پی دارد. طبق این تحلیل، حملات اخیر به سایت‌های هسته‌ای ایران در فردو، اصفهان و نطنز، حتی به اعتقاد رئیس‌جمهور فرانسه هم هیچ مبنای حقوقی نداشت. با این حال، او با استفاده از مفاهیمی مبهم خلأ آشکار حقوقی موجود را توجیه کرد، به نل‌آویو بود. چنین برداشت‌های ابزاری از قانون، مشروعیت رژیم جهانی منع اشاعه را به‌طرزی خطرناکی تضعیف می‌کند. در چارچوب حقوق بین‌الملل، هیچ مجوزی در منشور سازمان ملل و در ساختار رژیم‌منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، برای یک بازیگر مسلح به سلاح هسته‌ای همچون رژیم صهیونیستی وجود ندارد که به یک عضو غیرهسته‌ای و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمله نظامی انجام دهد. حتی مفهوم دفاع پیش‌دستانه نیز تنها در صورت بهبود تهدیدی قریب‌الوقوع قابل اعمال است — حال آن‌که حتی نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده نیز اذعان دارند که ایران در توانم‌دست هیچ برنامه‌ای برای ساخت بمب نداشته است. این تحلیلگر مسئولیت ژئوپلیتیک و مبارزه با تروریسم تأکید دارد: ایران با وجود تعلیق اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، همچنان عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای باقی مانده است و به‌طور منظم تحت بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. در مقابل، اسرائیل که سلاح هسته‌ای دارد هرگز به ان‌پی‌تی نپیوسته و کل برنامه هسته‌ای خود را از دسترس نظارت‌های بین‌المللی خارج نگه داشته است. ... این واقعیت که ایالات متحده (به عنوان یکی از سه کشور رسمی امین ان‌پی‌تی) مستقیماً در حملات مشارکت داشت، برای بسیاری از کشورها زنگ خطر را به صدا درآورده و آن‌ها را به این اندیشیده و داشته که رژیم عدم اشاعه هیچ‌گونه حفاظتی را برپایشان فراهم می‌آورد یا نه؟ در پایان گزارش آمده است: در زمانی که چشم‌انداز نظم جهانی تیره‌تر از هر زمان دیگری در دهه‌های اخیر به نظر می‌رسد، اروپا در برابر یک انتخاب قرار دارد «ادامه ایفای نقش فرعی و تابع، با اولویت دادن به منافع آمریکا و اسرائیل حتی به قیمت نقض حقوق بین‌الملل، یا ایفای نقش یک بازیگر مستقل و مسئول که به چندجانبه‌گرایی، حاکمیت قانون و امنیت جمعی متعهد است.» احیای اعتبار ان‌پی‌تی و در سحی کلان نظام حقوقی، نیازمند شجاعت سیاسی، شفافیت اخلاقی و ایستادگی قاطع در برابر استانداردهای دوگانه است. اروپا باید از میراث تلخ عراق، افغانستان و لیبی درس بگیرد و نگذارد که خاورمیانه بار دیگر قربانی جنگ‌های غیرقانونی و سکوت‌های مرگبار شود.



به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. پیش از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و عملیات طوفان الاقصی، ایالات متحده در تلاش بود تا سامانه دفاع هوایی رژیم صهیونیستی را با متحدان خلیج فارس در بخشی از یک «تائوی خاورمیانه» که بسیار مورد توجه قرار گرفته بود، ادغام کند. تحلیلگران منطقه به میدل ایست آ ی گفتند که در عوض، کشورهای حوزه خلیج فارس از درگیری اسرائیل و ایران کنار کشیدند و احساس کردند که برای احیای روابط با جمهوری اسلامی ایران «حق» دارند.